

مرگ بر "شوک درمانی"*

مترجم: سید احمد موسی زاده

بعد از انقلاب مسالمت آمیز سال ۱۹۸۹ [چکسلواکی] (1989 Velvet Revolution)، والتر کومارک (Komarek) (Valtr) - اقتصاددان - به سمت معاون نخست وزیر در اولین دولت دموکراتیک پس از جنگ منصوب شد. اما کومارک، با برنامه اقتصادی "شوک درمانی" که به وسیله جفری ساچز (Sachs) (Jeffrey) - استاد دانشگاه هاروارد - مطرح شده بود، مخالفت کرد و توسط واسلاو کلاوس (Klaus) (Vaclav) وزیر اقتصاد، کنار گذاشته شد. کومارک در ژوئن ۱۹۹۰ (خرداد ۱۳۶۹ - م)، از سمت رئیس تیم اقتصادی دولت استعفا کرد و به عنوان رئیس مؤسسه آینده‌نگری چکسلواکی (Czechoslovakia's Institute of Forecasting) باقی ماند. او همچنین، به عنوان رهبر حزب سوسیال دموکراتیک (Social Democratic Party)، نامزد نخست وزیری در انتخابات ژوئن (خرداد - م) است. او هنگام دیدار اخیر از نیویورک، با خبرنگار نیوزویک مارک فرانکل (Mark Frankel)، در مورد نظریاتش پیرامون انتقال (گذار) به اقتصاد بازار، گفتگو کرد. خلاصه گفتگو به این شرح است:

■ فرانکل: آیا شما با شوک درمانی اقتصادی به این علت مخالفت کردید که کارایی ندارد، یا به خاطر آنکه بهای انسانی آن بالاست.

□ کومارک: تحلیل‌های ما [در مؤسسه آینده‌نگری] نشان می‌دهد که شوک درمانی نمی‌تواند به گذار موفقیت آمیز به یک اقتصاد بازار آزاد منجر شود. در شرایط کنونی، در کشورهای اروپای شرقی و مرکزی، شوک درمانی یک استراتژی واقع بینانه نیست.

■ نتایج آن در چکسلواکی چگونه بوده است؟

□ خوب نبود. در طول سال ۱۹۹۱، که شوک درمانی برای اولین بار به کار گرفته شد، محصولات صنعتی ۲۳ درصد کاهش یافت. کاهش کلی در محصول ناخالص داخلی (GDP-م)، ۱۶ درصد است. اما از آن بدتر، اثرش بر استانداردهای زندگی است. دستمزدهای واقعی ۲۸ درصد کاهش یافته‌اند.

■ بهای انسانی آن چه بوده است؟

□ بیکاری از صفر به ۵۲۳ هزار نفر افزایش یافته است. و این اثر دردناکی بر سالمندان داشته است. ما یک جمعیت سالخورده داریم؛ ۴ میلیون نفر وظیفه‌بگیر (بازنشسته) هستند. بهای کالاهای مصرفی از سال ۱۹۸۹، نزدیک به ۸۰ درصد افزایش یافته، در حالی که به حقوق وظیفه‌بگیرها، تنها $\frac{1}{3}$ افزوده شده است. معاش بسیاری از این مردم، تا سطح حداقل کاهش یافته است. انقلاب در حال وقوع نبود، بنابراین مردم می‌بایست بدتر از دوران کمونیسم زندگی کنند. مردم ساده به سختی روزگار می‌گذرانند. آنها صرفاً با امید به آینده بهتر، زندگی می‌کنند.

■ پروفسور جفری ساچز، اصرار دارد که شوک درمانی در لهستان با موفقیت بسیار زیادی همراه بوده است. چگونه یک اقتصاددان، جنبه مثبت واقعیتی را می‌بیند، در حالی که اقتصاددان دیگر، جنبه منفی آن را می‌بیند؟

□ پدیده جالبی است. من در این زمینه، با پروفسور ساچز بحث کرده‌ام. او بسیار تحصیلکرده، ولی خیلی جوان است. او همیشه یک خوش‌بین بزرگ است. واقعیت این است که اقتصاد لهستان، در یک رکود عمیق است. اعتصابها در حال افزایش هستند. دولت لهستان در حال حاضر، شوک درمانی را مورد تجدیدنظر قرار داده. دولت جدید، در حال تدارک تدابیر تازه‌ای است که مانع از تأثیرات اجتماعی آن شود.

■ اگر شما بودید، چه می‌کردید؟

□ ما باید افت اقتصادی کشور را در نظر بگیریم. ضروری است که یک سیاست بهبود را در پیش بگیریم. ما باید سرمایه‌گذاری عمومی (Public Spending) را تجدید حیات کنیم. چیزی شبیه به برنامه اقتصادی جدید آمریکا (U.S. New Deal). کسی می‌تواند از رژیم کمونیستی به درستی انتقاد کند، که به جای سرمایه‌گذاری در زمینه‌زیربناهای اجتماعی و حفاظت از محیط زیست، در صنایع

سنگین سرمایه گذاری هنگفت کرده است. اکنون، ما می توانیم در این زمینه ها سرمایه گذاری کنیم. ما دارای صنایع ساختمانی و صنایع تولید مصالح ساختمانی عمده هستیم، که به طور بسیار نامناسبی، مورد بهره برداری هستند. دلیلی وجود ندارد که ما بتوانیم آنها را مورد استفاده درست قرار دهیم. بنابراین، در حال حاضر می توانیم صنعت ساختمان و بخشهای وابسته به آن را احیا کنیم.

■ بنابراین، شما به منظور تنوع بخشیدن به بنیانهای اقتصادی، به سرمایه گذاری عمومی تکیه می کنید؟

□ بله، در این صورت، با درآمد بیشتر می توانند سهام مؤسساتی را که به تازگی خصوصی شده، مانند خانه ها و مواردی از این دست را بخرند.

■ شما زمانی پیش بینی کرده بودید که چکسلواکی می تواند در طول ۵ تا ۷ سال، در زمینه های اقتصادی به غرب برسد، آیا هنوز هم این امکان وجود دارد؟

□ هنوز هم ممکن است به سطح اتریش برسیم. ما دو سال را از دست دادیم، ولی منابع اصلی کشور، یعنی بنیان صنعتی قوی، کشاورزی خوب و نیروی کاری با صلاحیت، هنوز وجود دارند. بنابراین، اگر سیاستی مبتنی بر رشد به کار گرفته شود، و اگر تغییرات ساختاری در صنایع قابل اتکا صورت گیرد، به تدریج - با کمک سرمایه گذاری مستقیم خارجی و مدیریت بهبود یافته - رسیدن به استانداردهای بالاتر زندگی، امکان خواهد داشت. ممکن است در حال حاضر، ما نتوانیم انتظار داشته باشیم که رسیدن به این استانداردها در فاصله ۵ تا ۷ سال اتفاق بیفتد، ولی هر روز، شوک درمانی ورود به رونق را به تأخیر می اندازد.

■ آیا واقعاً در طیف سیاسی چکسلواکی جایی برای یک کاندیدای چپ میانه، وجود دارد؟ آیا محافظه کاران پایبند به بازار آزاد، مانند واسلاو کلاوس، برتری مطلق را کسب نکرده اند؟

□ آقای کلاوس، تا به حال حمایت اساسی را کسب کرده، اما هم اکنون، تردید مردم در حال افزایش است و حمایت از چپ و میانه روها - سوسیال دموکراتها - هم در حال رشد است. یک نظرسنجی در اواسط ژانویه، نشان داد که ۳۰ درصد از رأی دهندگان - بزرگترین گروه انفرادی - از احزاب سیاسی، هواداری نمی کنند. محبوبیت حزب دموکراتیک اجتماعی (Civic Democratic Party) آقای کلاوس، ۲۰ درصد بیشتر شده است. اما حمایت از سوسیال دموکراتها نیز، در حال افزایش

است. آرای آنها در حال حاضر، ۱۰ درصد است. و اتحادیه سوسیال لیبرال (Social Liberal Union)، یک حزب چپ میانه دیگر هم، با ۸ درصد از آراء، در حال کسب حمایت است، که آرای آنها، مشترکاً به اندازه حزب کلاوس است.

■ شما نسبت به آینده چکسلواکی خوش بین یا بدبین هستید؟

□ من به نبوغ و نیکبختی انسان معتقدم. بنابراین، فردی خوش بین هستم، ولی باید مردمی را هم مورد نظر داشت که می توانند ابله و حتی خبیث باشند. اما اگر این را به عنوان یک واقعیت بپذیرید، زندگی لذتبخش نخواهد بود. بنابراین، تنها راه ممکن، خوش بین بودن است.



روشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی